



Accomplish	انجام دادن	Concept	تصور کلی	Gridwork	شبکه
Accounted for	توجیه کردن ، توضیح بودن	Continuum	زنجیره ، محیط پیوسته	Halved	نصف
Accuracy	درستی	Deal with	از عهده بر آمدن	Idealization	ایده آل سازی
Accurate	درست	Devise	درست کردن ، اختراع کردن	Idealize	ایده آل سازی
Aerospace	هوافضا	Discretization	گسسته سازی	Identically	بطور یکسان
Alter	تغییر دادن	Disparity	تفاوت کلی	Intensity	شدت
Analogous	قابل مقایسه	Disregard	صرف نظر کردن	Interpretation	ترجمه ، بیان ، تفسیر
Anticipate	پیش بینی	Distinctions	تفاوت ، وجه تمایز	Isolate	جدا کردن
Areal	مساحتی	Enforce	مجبور کردن	Juncture	اتصال
Aspect	جنبه، وجه	Entity	هویت	Membrane	غشاء
Assemblage	یکپارچه	Equilibrated	متعادل شده	Mold	قالب
Automation	خودکار سازی ، اتوماسیون	Equilibrium	تعادل	Noteworthy	قابل ملاحظه
Boundaries	مرزها	equivalent	معادل	Objective	مقصود
Broadly	به طور گسترده ، وسیع	Establish	بنا کردن ، قرار دادن	Partial	جزئی ، بخشی
Capability	توانائی	Flexural	خمشی	Perpendicular	قائم ، عمود
Chiefly	بویژه	Fundamentally	اساسا	Philosophy	فلسفه
Circumferential	محیطی	Geometric	هندسی	Plate	صفحه





Portray	خوب توجیه کردن	Torsional	پیچشی		
Predominantly	به طور غالب	Transverse	جانبی		
Pressurize	فشاردار کردن	Triangular	مثلثی		
Proper	مناسب	Vertex	راس ، نوک		
Quadratically	درجه دو	Vertices	نوکها ، رئوس (ج) (Vertex)		
Refine	اصلاح کردن	Visualize	نشان دادن ، به تصویر کشیدن		
Respective	مخصوص	Withstand	مقاومت کردن		
Scramble	خزش پیدا کردن				
Shell	پوسته				
Ship Structures	سازه های دریایی (کشتی)				
Solid	جامد				
Spatial	فضائی				
Stiffness	سختی				
Synthesize	ترکیب شدن				
Tend to	تمایل داشتن به				
Torque	گشتاور				
Torsion	پیچش				

